

سگ جنایی به عنوان وسیله کشف و اثبات جرم در فقه اسلامی
الکلب الجنائي بوصفه وسيلة لكشف الجريمة وإثباتها في الفقه الإسلامي

The Use of Forensic Detection Dogs as a Tool for Crime Detection and Criminal Evidence in Islamic
Jurisprudence

İslam Fıkında Suçun Ortaya Çıkarılması ve İspatında Adli Arama Köpeklerinin Kullanımı

مطبع الله نظری^۱

چکیده

این تحقیق به بررسی استفاده از سگ جنایی به عنوان وسیله اثبات معاصر در فقه اسلامی و ارتباط آن با قاعده فقهی "الوسائل لها حكم المقاصد" می پردازد. هدف تحقیق، تبیین مشروعیت و حدود استفاده از وسائل اثبات نوین، با تمرکز بر سگ جنایی در کشف جرایم و بررسی حجیت دلالت آن ها است. در این مطالعه، پس از تفسیر مفردات "وسیله" و "مقصد" در لغت و فقه، مفهوم عمومی وسایل اثبات و رابطه آن با مقاصد شرعی تحلیل شده است. همچنین، با استناد به قرآن، سنت و اجماع فقهاء، اهمیت وسائل در تحقق مقاصد و نقش آن ها در احکام شرعی بیان شده است. روش تحقیق، تحلیل اسنادی و فقهی است که شامل مطالعه کتاب ها و منابع فقهی، احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم و بررسی مواضع فقهاء کرام در موضوع وسائل اثبات است. تحقیق نشان می دهد که وسائل، تابع حکم مقاصد هستند؛ بدین معنا که وسیله حرام، حتی اگر هدف مشروع باشد، مشروع نمی شود و بالعکس. با بررسی تجربه های تاریخی و علمی، استفاده از سگ جنایی در ردیابی آثار و کشف جرایم به عنوان وسیله اثبات مشروع شناخته شده؛ اما اعتماد قطعی به آن جایز نیست و باید همراه با سایر دلایل مانند شهادت، اسناد و قرائن مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: اثبات معاصر، جنایت، سگ جنایی، مقصد، وسیله

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2026.176>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

06.02.2026

تاریخ قبول / Accepted Date

26.04.2026

تاریخ نشر / Publication Date

28.07.2026

^۱ پوهندوی، دوکتور، دیپارتمنت
ثقافت اسلامی، پوهنځی
ساختمانی، پوهنتون پولی تخنیک،
کابل، افغانستان.

ORCID

[0009-0002-8230-5547](https://orcid.org/0009-0002-8230-5547)

E-Mail

mutiullahafz@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین
Turnitin بررسی شده Plagiarism یا
سرقت ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by
Turnitin. No Plagiarism detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation :

مطبع الله نظری، "سگ جنایی به عنوان وسیله کشف و اثبات جرم در فقه اسلامی"، مجله دیوان ۲/۷ (سرطان ۱۴۰۵)، ۱۱۲-۷۸۹.

Mutiullah Nazari, "The Use of Forensic Detection Dogs as a Tool for Crime Detection and Criminal Evidence in Islamic Jurisprudence,"
Diwan Journal 7/2 (July 2026), 112-89.

الملخص

يتناول هذا البحث الحكم الشرعي لاستخدام الكلاب البوليسية المتعقبة للجرائم، ومدى حجية دلالتها في التعرف على المجرمين وإثبات الجرائم من منظور الفقه الإسلامي. وتنبع أهمية الموضوع من التوسع في استخدام الوسائل الحديثة لكشف الجرائم، مما يجعل الحاجة إلى بيان مكانة هذه الوسائل ضمن منظومة الأدلة والقرائن الشرعية أكثر إلحاحاً من ذي قبل. ويهدف هذا البحث إلى بيان الأساس الفقهي لاستخدام الكلاب المتعقبة، ودراسة حدود حجية النتائج المتحصلة منها، وبيان دور هذه الوسيلة في عملية إثبات الدعاوى الجنائية. وقد أظهرت نتائج البحث أن كثيراً من الفقهاء الكرام أجازوا استخدام الكلاب المتعقبة باعتبارها وسيلة مساعدة وقرينة مؤيدة في كشف الجرائم، إلا أنهم لا يرون دلالتها كافية لإثبات الجريمة استقلالاً. كما تبين أن النتائج المستخلصة من تتبع الكلاب، نظراً لاحتمال الخطأ وتأثرها بالعوامل الخارجية، ينبغي أن تُقيم في ضوء الأدلة المعتبرة الأخرى، كالإقرار والشهادة والمستندات والقرائن العلمية. وبناءً على ذلك، فإن الرأي الراجح هو أن الكلاب المتعقبة يمكن أن تؤدي دوراً مؤثراً في كشف الحقيقة وتعزيز الأدلة، لكنها لا تصلح أن تكون مستنداً قضائياً مستقلاً لإصدار الأحكام. واعتمدت الدراسة المنهج الوصفي التحليلي القائم على استقراء النصوص الفقهية والأصولية والحديثية والقانونية. وتحقيقاً لذلك، جرى استعراض وتحليل آراء فقهاء المذاهب المختلفة بشأن اقتناء الكلاب البوليسية المتعقبة للجرائم واستخدامها، والأدلة القرآنية والحديثية المرتبطة بقاعدة «لوسائل أحكام المقاصد»، ومكانة القرائن في إثبات الدعاوى، إضافة إلى الأنظمة القانونية المعاصرة ذات الصلة. الكلمات المفتاحية: وسيلة، مقصد، جريمة، إثبات معاصر، الكلب الجنائي.

Abstract

This study examines the use of police dogs as a contemporary means of proof in Islamic jurisprudence and its relationship to the juristic maxim "Means take the ruling of their objectives" (al-wasā'il lahā ḥukm al-maqāsid). The objective of the research is to clarify the legitimacy and limitations of employing modern evidentiary methods, with particular emphasis on police dogs in criminal investigations, and to assess the evidentiary value of their indications. The study begins by analyzing the linguistic and juristic meanings of the terms means (wasilah) and objective (maqṣad), followed by an examination of the general concept of evidentiary means and their relationship to the objectives of Islamic law. Drawing upon the Qur'an, the Sunnah, and the consensus of jurists, the research highlights the significance of means in achieving legal objectives and explains their role in determining legal rulings. The study adopts a documentary and juristic analytical methodology, which includes the examination of classical and contemporary juristic sources, Prophetic traditions, and the opinions of eminent Muslim jurists concerning evidentiary methods. The findings indicate that means are subordinate to the rulings of their objectives. Accordingly, an unlawful means

does not become permissible merely because it serves a lawful objective, and conversely, lawful means derive their legitimacy from the legitimacy of their intended objectives. Based on historical experiences and scientific findings, the study concludes that the use of police dogs for tracking evidence and detecting crimes may be regarded as a legitimate evidentiary aid. However, exclusive reliance on their indications is not permissible, and such evidence should be considered in conjunction with other forms of proof, including witness testimony, documentary evidence, and circumstantial indications.

Keywords: Contemporary Evidence, Crime, Police Dog, Objective (Maqşad), Means (Wasilah).

Özet

Bu çalışma, İslam fıkında modern bir ispat aracı olarak adli köpeğin kullanımını ve bunun “vesileler maksatların hükmünü alır” kaidesiyle ilişkisini ele almaktadır; araştırmanın amacı, özellikle suçların tespitinde kullanılan adli köpekler üzerinden modern ispat araçlarının meşruiyetini ve sınırlarını açıklamak ve bu araçların delil değerini incelemektir. Çalışmada önce “vesile” ve “maksat” kavramları hem lügat hem de fıkıh açısından açıklanmış, ardından ispat araçlarının genel yapısı ve bunların şer’î maksatlarla ilişkisi analiz edilmiştir. Ayrıca Kur’an, sünnet ve fukahânın icmasına dayanarak maksatların gerçekleşmesinde vesilelerin önemi ve şer’î hükümlerdeki rolleri ortaya konmuştur. Araştırma yöntemi, kaynak incelemesi ve fikhî analiz olup; kitapların ve fıkıh kaynaklarının incelenmesini, Hz. Peygamber’in (s.a.s.) hadislerinin gözden geçirilmesini ve ispat araçları konusunda İslâm âlimlerinin görüşlerinin değerlendirilmesini kapsamaktadır. Sonuç olarak vesilelerin maksatlara tabi olduğu, yani haram bir aracın amacı meşru olsa bile meşru olmayacağı, aynı şekilde meşru araçların da doğru maksatla kullanılmasının gerekli olduğu belirtilmiştir. Tarihî ve ilmî veriler ışığında adli köpeklerin iz sürme ve suçları ortaya çıkarma amacıyla kullanılmasının meşru bir ispat aracı olduğu kabul edilmekle birlikte, bunlara tek başına kesin olarak güvenilemeyeceği ve mutlaka şahitlik, belgeler ve diğer karinelerle birlikte değerlendirilmesi gerektiği vurgulanmıştır.

Anahtar Kelimeler: Çağdaş ispat, Suç, Adli Köpek, Maksat, Vesile.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه اجمعين.

موضوع این تحقیق اعتبار سگ جنایی به عنوان ابزار کشف و اثبات جرم در فقه اسلامی است. در این تحقیق، اعتبار فقهی استفاده از وسایل جدید علمی مانند سگ‌های تعلیم دیده و حدود و شرایط آن بیان می‌شود، انگیزه و دلیل انجام این تحقیق، نیاز به روشن سازی جایگاه قواعد فقهی در مواجهه با پیشرفت‌های علمی و فناوری و پاسخ به ابهامات عملی در زمینه اثبات جرائم است. هدف اصلی تحقیق، تبیین جایگاه قاعده "وسایل حکم مقاصد را دارند"، تحلیل شرایط مشروعیت استفاده از وسایل اثبات و بررسی میزان اعتبار و حجیت آن‌ها در نظام قضایی معاصر است. ضرورت تحقیق از این جهت است که کاربرد وسایل علمی در امور قضایی، مانند استفاده از سگ‌های جنایی برای کشف جرایم، با ابهامات و اختلاف نظرهای فقهی مواجهه است و ارائه راهنمایی مستدل می‌تواند در عمل قضایی و فقهی مفید باشد.

سوالات تحقیق عبارت‌اند از "اعتبار فقهی استفاده از سگ جنایی به عنوان ابزار کشف و اثبات جرم در فقه اسلامی چیست؟ آیا قاعده "الوسائل لها حكم المقاصد" در فقه اسلامی چه جایگاه و اعتباری دارد و کاربردهای آن در مسایل معاصر چگونه تبیین می‌شود؟ و مشروعیت استفاده از وسایل اثبات معاصر در فقه اسلامی چیست و حدود، شرایط و ضوابط آن چگونه تعیین می‌شود؟ فرضیه تحقیق این است که وسایل اثبات معاصر، در صورتی از نظر فقهی معتبر دانسته می‌شود که موجب تحقق مصلحت معتبر شرعی گردد، با نصوص قطعی تعارض نداشته باشد و تحت ضوابط و شرایط مشخص فقهی مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه موضوع نشان می‌دهد که فقهای اسلامی در آثار فقهی خود به بررسی اعتبار قرائن و وسایل اثبات سنتی پرداخته‌اند. برای نمونه، مؤلف «بدائع الصنائع» علاء الدین کاسانی رحمه الله به بحث حجیت قرائن و امارات در اثبات حقوق اشاره کرده است. هم‌چنان مؤلف «الموافقات» ابو اسحاق شاطبی رحمه الله، جایگاه مقاصد شریعت و نقش وسایل در تحقق مصالح بررسی شده است. با این حال، بررسی منظم و مستقل درباره مشروعیت استفاده از وسایل اثبات معاصر، مانند ابزارهای علمی نوین و سگ‌های تعلیم دیده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو، پژوهش حاضر در کوشش رفع این کاستی و ارائه تحلیلی جامع‌تر از موضوع است.

روش بحث در این تحقیق تحلیلی-توصیفی است، به گونه‌ای که ابتداء مفاهیم و اصطلاحات فقهی مانند وسیله و مقصود تبیین می‌شود، سپس قاعده مورد بحث از قرآن کریم، سنت و اجماع بررسی شده و در ادامه، کاربرد آن در وسایل اثبات معاصر با تمرکز بر سگ جنایی تحلیل می‌گردد. ساختار تحقیق شامل دو مبحث اصلی است: مبحث اول به تعریف قاعده و تبیین مفاهیم می‌پردازد

و مبحث دوم، حکم و مشروعیت استفاده از وسایل اثبات نوین و بررسی موردی سگ جنایی را شامل می‌شود.

در این تحقیق از روش استقرایی تحلیلی استفاده کرده است که شامل استقراء نصوص شرعی از قرآن کریم و احادیث شریف در باب وسایل اثبات و قرائن، تحلیل اقوال فقهای مذاهب چهارگانه در پرتو قواعد فقهی و مقاصدی، مقایسه موضوع فقه اسلامی و قوانین وضعی در استفاده از سگ جنایی، استفاده کردن از کاربردهای قضایی معاصر برای بیان کردن اثر عملی این وسایل، با ترجیح میان اقوال فقهی به گونه‌ای که مقاصد شریعت محقق شود و از ظلم و سوء استفاده در وسایل تحقیق جلوگیری گردد.

۱. تعریف قاعده "الوسائل لها حکم المقاصد"

۱.۱. تفسیر مفردات

معنای "وسيله" در لغت چنین بیان گردیده است: «وَسَلَ فَلَانٌ إِلَى اللَّهِ بِالْعَمَلِ، يَسْلُ وَسَلًا رَغَبًا وَتَقَرَّبًا». "فلائی به سوی خدا با عمل وسیله گرفت؛ یعنی رغبت کرد و به خدا نزدیک شد". هم‌چنان در جای دیگری تذکر یافته است: «وَسَلَ فَلَانٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى عَمَلًا تَقَرَّبًا بِهِ وَإِلَيْهِ». "فلائی به سوی الله تعالی عملی انجام داد که به وسیله آن به خدا تقرب جست و به او نزدیک شد".^۱

"مَقْصَد" یعنی غایت و هدف حکم است.^۲ اصطلاح "مقاصد شریعت" بر اهداف عمومی‌ای اطلاق می‌شود که شریعت برای تحقق آن‌ها در زندگی مردم آمده است؛ و نیز بر اهداف خاصی اطلاق می‌شود که برای هر یک حکمی خاص تشریع شده است. هرگاه مقصد به سبب فساد یا بطلان ساقط شود، وسیله‌ای که برای آن تشریع شده نیز ساقط می‌گردد؛ زیرا یا عبث می‌شود یا وسیله‌ای برای امر فاسد، باطل یا منهی عنه خواهد بود.^۳

علامه قزافی رحمه الله می‌گوید: «گاهی از وسایل با لفظ ذرائع تعبیر می‌شود، و این اصطلاح اصحاب ما یعنی مالکیه است؛ و این لفظ در مذهب ما مشهور است، لذا می‌گویند: سدّ ذرائع؛ یعنی بستن راه‌های منتهی به فساد برای دفع آن. پس هرگاه فعلی که ذاتاً سالم از مفسده است، وسیله مفسده شود، امام مالک رحمه الله علیه در بسیاری از موارد آنرا منع کرده است».^۴

^۱ نخبة من اللغويين بمجمع اللغة العربية بالقاهرة، المعجم الوسيط (القاهرة: مجمع اللغة العربية، ۱۳۹۲ هـ.ق - ۱۹۷۲ م)، ۱۰۳۲/۲.

^۲ إبراهيم بن موسى بن محمد الشهير بالشاطبي، الموافقات، محقق. بن حسن آل سلمان (بی‌جا: دار ابن عفان، ۱۴۱۷ هـ.ق)، ۳۵/۲.

^۳ محمد مصطفى الزحيلي، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة (دمشق: دار الفكر، ۱۴۲۷ هـ.ق)، ۱/۶۷۷.

^۴ أبو العباس أحمد بن إدريس المالكي الشهير بالقزافي، الفروق (بی‌جا: عالم الكتب، بی‌تا)، ۳۲/۲.

از آنجا که مقاصد جز از طریق اسباب و راه‌های رساننده به آن‌ها حاصل نمی‌شود، این راه‌ها تابع حکم مقاصدند؛ پس وسایل حرام، حرام است، وسایل طاعت، طاعت است، وسایل واجب، واجب است، وسایل مندوب، مندوب است، و وسایل مکروه، مکروه است.^۵

معنای وسیله نزد اهل لغت با اصطلاح نحویان تفاوتی ندارد. اهل لغت گفته‌اند: «وسایل جمع وسیله است و وسیله آن است که به واسطه آن به دیگری تقرب جسته شود. و اسل، یعنی رغبت‌کننده به سوی خدا». لیید می‌گوید: «بلی کُلُّ ذی دینٍ إِلَى اللَّهِ وَاسِلٌ».^۶ «آری، هر صاحب دینی وسیله‌ای به سوی خدا دارد». امام رازی رحمه‌الله می‌گوید: «ذریعه وسیله است، و فلان به ذریعه متوسل شد یعنی به وسیله‌ای تمسک جست، و جمع آن ذرائع است».^۷

نحویان نیز «وسيله» را به ذریعه نزدیک دانسته‌اند و قرائن را وسایل فهم معنای مراد از الفاظ دانسته‌اند؛ زیرا «قرینه» معنای خاصی را تحمیل می‌کند. افزون بر این، آنچه فهم کتاب و سنت را آسان می‌سازد، خود وسیله‌ای به سوی سعادت ابدی و ذریعه‌ای برای تحصیل مصالح دینی و دنیوی است.^۸

بیان معنای «وسيله» در اثبات حکم به این معناست که امر به چیزی، امر به آن به‌عنوان غایت است و امر به آنچه تحقق آن جز با آن ممکن نیست، امر به آن به‌عنوان وسیله است. پس امر به نماز، امر به طهارت نیز هست؛ زیرا نماز بدون طهارت صحیح نیست. همین‌گونه، امر به غسل جمعه که سنت است مستلزم آوردن آب و گرم کردن آن است اگر استعمال بدون آن ممکن نباشد. وجوب جماعت در مسجد، وجوب رفتن به مسجد را در پی دارد؛ و وجوب ادای شهادت، وجوب رفتن به محکمه را نیز شامل می‌شود؛ و مانند آن.^۹

^۵ سلطان العلماء عز الدین بن عبد السلام، قواعد الأحكام في مصالح الأنام (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴هـ.ق) ۱۲۹/۱.

^۶ أبو نصر إسماعیل بن حماد الجوهري، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، محقق. احمد عبد الغفور عطار (بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷هـ.ق / ۱۹۸۷ م)، ۱۸۴۱/۵.

^۷ أبو عبد الله محمد بن أبي بكر الحنفی الرازي، مختار الصحاح، محقق. يوسف الشیخ محمد (بیروت: المكتبة العصرية الدار النموذجية، ۱۴۲۰هـ.ق - ۱۹۹۹ م)، ۱۱۲/۱؛ أبو الفضل محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب (بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴هـ.ق)، ۹۶/۸، ۷۲۴/۱۱.

^۸ ابو محمد عبدالله بن يوسف بن أحمد، مغني اللبيب عن كتب الأعاريب (دمشق: دار الفكر، ۱۹۸۵ م)، ۱۲/۱؛ عباس حسن، النحو الوفي (بی‌جا: دار المعارف، بی‌تا)، ۶۷۱/۱.

^۹ عبد الكريم بن عبد الله الخضير، شرح الوقات في أصول الفقه (من إصدارات المكتبة الشاملة)، ۱۵/۵.

۲.۱. مفهوم عمومی وسایل اثبات

مفهوم "الوسائل لها حكم المقاصد" این است که به وسایل حکم مقاصد داده شود؛ یعنی حکم شرعی مقاصد بر وسایل نیز تطبیق گردد، با در نظر گرفتن این که وسایل به معاصی وابسته نیستند، و عدم اخذ به وسایل به معنای عدم تحقق ثمره علمی است؛ به این معنا که باید به جهتی که مقتضی اخذ به وسایل برای رسیدن به مقاصد و تحقق مصلحت معینی است، نگریسته شود؛ زیرا مصالح و مفاسد به دو بخش تقسیم می شوند: وسایل و مقاصد. هم چنان واجبات و مستحبات به دو نوع اند: یکی مقاصد و دیگری وسایل؛ مکروهات و محرمات نیز دو نوع اند: یکی مقاصد و دیگری وسایل. برای وسایل نیز احکام مقاصد ثابت است؛ پس وسیله ای که به بهترین مقاصد می رساند، بهترین وسیله است و وسیله ای که به پست ترین مقاصد می رساند، پست ترین وسیله است. سپس وسایل به ترتیب مصالح و مفاسد مرتب می شوند؛ مانند این که معرفت ها و عبادات هم مقاصدند و هم وسایل برای ثواب آخرت و نیز رضوان الهی و سلام او بر بندگان از عالی ترین مقاصد است و آن مقصود، وسیله ای برای هر مطلوبی از وسایل و مقاصد است. حیاء وسیله ای برای بازداشتن از زشتی هاست و خشم وسیله ای برای دفع ستم است.^{۱۰}

گاهی هنگام به کار بردن وسایل برای تحقق مقاصد، حالات خاصی پیش می آید؛ مانند تعدد وسایل در عصر حاضر، نظیر استفاده از سگ جنایی به عنوان دلیل اثبات بر واقعه معینی که حکم اش را بعداً بیان خواهیم کرد. وسایل در سایه پیشرفت علمی معاصر گسترش یافته و روش های علمی جدیدی در ادله اثبات حوادث پدید آمده است؛ زیرا گاه داعی برای ترجیح یک وسیله بر وسیله دیگر وجود دارد، و قاعده این است که "ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب". "هر چیزی که بدون آن واجب انجام نمی شود، خودش واجب است." نمونه آن مسئله ای است که فقهای کرام در آن اختلاف کرده اند: جواز روایت حدیث به "مناوله" و "اجازه" که برخی از طرق روایت و نقل حدیث است؛ مانند این که راوی بگوید: "حدثنا فلان عن فلان" تا آخر سند و این وسیله ای برای شناخت صحت حدیث است، در حالی که مقصود، شناخت صحت حدیث است.

قاعده این است که اگر مقاصد بدون وسایل حاصل شود، وسایل ساقط می گردد؛ زیرا وسایل به خودی خود مقصود نیست. شناخت صحت حدیث نیز از طریق "اجازه" یا "مناوله" حاصل می شود؛ زیرا مخبر عادل و جازم به اذن در روایت است و ظاهر این است که جز آنچه به صحت

^{۱۰} أبو محمد عز الدین عبد العزیز عبد السلام الدمشقی، قواعد الأحكام فی مصالح الأنام (القاهرة: مكتبة الکلیات الأثرية ۱۴۱۴ هـ.ق / ۱۹۹۱ م)، ۵۳/۱ - ۲۱۱/۲.

آن آگاه بوده و روایتش کرده، اذن نداده است؛ زیرا مقصود، شناخت صحت خبر است، نه خودِ طریق.^{۱۱}

بر اساس آنچه گذشت، روشن می‌شود که سلامت و مشروعیت مقصد به‌تنهایی موجب مشروعیت وسیله حرام نمی‌گردد، مگر آن‌که دلیل شرعی معتبر بر جواز آن دلالت کند؛ ازاین‌رو، جایز نیست که صرف نیکو بودن هدف، به‌عنوان مجوز شرعی برای به‌کارگیری وسیله نامشروع تلقی گردد. این معنا با قاعده مهم فقهی "الغایة لا تبرر الوسيلة" سازگار است؛ بدین معنا که هدف مشروع، به‌تنهایی نمی‌تواند وسیله نامشروع را توجیه نماید، مگر در مواردی که نص یا دلیل معتبر شرعی بر استثنا دلالت داشته باشد. بنابراین، در ارزیابی وسایل، لازم است هم سلامت و مشروعیت مقاصد و هم مشروعیت ذات وسایل مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا صدور حکم به اباحه وسیله، تنها بر اساس سلامت مقصد، بدون احراز مشروعیت آن وسیله، با اصول احتیاط و مقاصد شریعت سازگار نخواهد بود.

۲. حکم استفاده از وسایل اثبات معاصر

۲.۱. مشروعیت وسایل اثبات

فقه‌های کرام در مسایل بسیاری به وسایل اثبات عمل کرده‌اند و اگر اختلافی هم هست، در برخی جزئیات است نه در اصل اعتبار وسایل. با این حال، بسیاری از آنان باب مستقلی برای آن نگشوده‌اند و به‌صراحت از آن سخن نگفته‌اند، هرچند در عمل به آن ملتزم بوده‌اند؛ شاید به دلیل احتیاط در قضاء، زیرا استعمال وسایل اثبات و قرائن نیازمند تیزهوشی، ورع و تقواست تا ابزار ظلم و تعسف نشود.

خلاصه این‌که فقه‌های کرام بر اصل اخذ به وسایل اثبات و قرائن در حکم و قضاء اجماع دارند، و گسترده‌ترین مذاهب در این باب به ترتیب: مالکیه، حنابله، شوافع و سپس احناف است.^{۱۲}

^{۱۱} أبو محمد عبدالله بن أحمد بن قدامة الدمشقي الحنبلي، *روضة الناظر* (بیروت: مؤسسة الريان للطباعة والنشر، ۱۴۲۳ هـ.ق / ۲۰۰۲ م)، ۳۵۱/۱.

^{۱۲} أبو العباس شهاب الدین أحمد بن إدريس المالکي الشهير بالقرافي، *الذخيرة*، محقق. محمد حجي، سعيد أعراب، محمد بو خبز (بیروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۴ م)، ۴۵۸/۵. أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاساني، *بدائع الصنائع* (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ هـ.ق - ۱۹۸۶ م) ۹۷/۳؛ أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الشافعي، *الوسيط في المذهب*، محقق. أحمد محمود إبراهيم، محمد محمد تامر (القاهرة: دار السلام، ۱۴۱۷ هـ.ق)، ۱۸۹/۴؛ أبو محمد عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي الحنبلي، *الکافي في فقه الإمام أحمد* (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ هـ.ق / ۱۹۹۴ م)، ۹۹/۴.

۱.۱.۲. حجت و دلایل عمل به وسایل اثبات نوین

اول: از قرآن کریم

قول خداوند متعال در مورد داستان حضرت یوسف علیه السلام: ﴿وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ﴾^{۱۳} ترجمه: "و بر پیراهنش خون دروغین آوردند".

علامه قرطبی رحمه الله می فرماید: «علمای ما رحمهم الله گفته اند: هنگامی که آنان خواستند خون را نشانه ای بر راستگویی خود قرار دهند، خداوند همراه با این نشانه، نشانه دیگری را قرار داد که با آن معارضه می کرد و آن سالم بودن پیراهن از پارگی بود؛ زیرا ممکن نیست که گرگ، یوسف را در حالی که پیراهن بر تن دارد بدرد، ولی پیراهن از پاره شدن سالم بماند».

هنگامی که حضرت یعقوب علیه السلام به پیراهن نگریست و در آن نه پارگی و نه اثری نیافت، از همین امر بر دروغگویی آنان استدلال کرد و به ایشان گفت: چه زمانی این گرگ چنین دانا بوده است که یوسف را بخورد ولی پیراهن را پاره نکند؟

فقههای کرام به این آیه در به کارگیری نشانه ها و امارات در برخی مسایل فقهی، مانند قسامه و غیر آن، استدلال و اجماع کرده اند بر این که حضرت یعقوب علیه السلام بر دروغ آنان توسط سالم بودن پیراهن استدلال نمود.

چنانچه ابن العربی می گوید: «بر کسی که نظر و بررسی می کند واجب است که هرگاه نشانه ها و علامت ها با یکدیگر تعارض کنند، به آن نشانه ای حکم کند که از میان آن ها ترجیح دارد؛ و این همان قوتِ تهمت است و در حکم کردن بر اساس آن اختلافی وجود ندارد».^{۱۴}

دوم: از احادیث شریف

حدیث عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه درباره دو نفر از بنی عفره که هر دو ادعای قتل ابوجهل را کردند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: {هل مسحتما سيفيكما؟ قالوا: لا، فنظر في السيفين فقال: كلاكما قتله، والرجلان هما معاذ بن عمرو بن الجموح ومعاذ بن عفره}.^{۱۵} ترجمه: "آیا شمشیرهای تان را پاک کرده اید؟ گفتند: نه. پس به شمشیرها نگاه کرد و فرمود: هر دو او را کشته اید".

^{۱۳} یوسف ۱۸/۱۲.

^{۱۴} أبو عبد الله، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، الجامع لأحكام القرآن، محقق. أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش (القاهرة: دار الكتب المصرية، ۱۳۸۴ هـ - ق - ۱۹۶۴ م)، ۱۴۹/۹.

^{۱۵} البخاری، صحيح البخاری، "فرض الخمس"، ۱۶ (۳۱۴۱). مسلم، صحيح مسلم، "الجهاد والسير"، ۱۳ (۱۷۵۲).

وجه استدلال: پیامبر صلی الله علیه و سلم بر اساس اثر خون حکم کرد و اثر خون یکی از وسایل اثبات است. ابن قیم رحمه الله علیه فرموده است: «این از بهترین احکام و سزاوارترین آن‌ها به پیروی است؛ زیرا خون بر تیغ شاهی شگفت است».^{۱۶}

حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: {لا تنکح الأیم حتی تستأمر، ولا تنکح البکر حتی تستأذن، قالوا: یا رسول الله وکیف إذنهما؟ قال: أن تسکت}.^{۱۷} ترجمه: "زن بیوه تا زمانی که نظرش پرسیده نشود، نباید بنکاح داده شود، و دختر باکره تا زمانی که اجازه ندهد، نباید بنکاح داده شود، صحابه کرام پرسیدند: یا رسول الله! چگونه باید اجازه بدهد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: سکوتش (به معنای اجازه است)".

وجه استدلال: پیامبر صلی الله علیه و سلم سکوت دختر باکره را به عنوان نشانه رضایت قرار داد و می توان شهادت داد که او رضایت داده است. این یکی از قوی ترین دلایل بر حکم قرائن است. در مورد زن بیوه، علماء گفته اند: "الأیم" به زن شوهردار قبلی (ثیب) گفته می شود، یعنی کسی که قبلاً ازدواج کرده است. "تستأمر" یعنی نظر او پرسیده شود و با او مشورت گردد. "البکر" یعنی دختری که هنوز ازدواج نکرده است. و "أن تسکت" یعنی شرمیدن همراه با نشانه ای که دلالت بر رضایت او دارد، یا عدم نشانه ای که دلالت بر رد او کند، مانند گریه یا خنده و امثال آن.^{۱۸}

۲.۲. حکم استفاده از سگ جنایی به عنوان وسیله اثبات

تجربه ثابت ساخته است که استفاده از سگ‌ها در ردیابی اثر ممکن است؛ چنان‌که استفاده از آن‌ها در سال ۱۹۰۳ میلادی در پی گیری آثار مجرمان و تعقیب قاچاق بران آغاز شد، همان‌گونه که منابع و عالمان تشریع جزایی ذکر کرده اند و نیز برای شناخت مکان‌هایی که ابزارهای جرم در آن‌ها پنهان شده است. بسیاری از تجربه‌ها موفق شد و به امکان آموزش دادن و تربیت کردن سگ در این زمینه انجامید. بی تردید سگ‌های شکار و نگهبانی اصل اند و سگ‌های جنایی فرع اند و علت جامع میان آن دو این است که همه تعلیم دیده اند و خداوند متعال نگهداری سگ‌های تعلیم دیده را مباح کرده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾.^{۱۹} ترجمه: "حیوانات شکاری و سگهای آموخته (تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آن‌ها یاد داده‌اید".

^{۱۶} محمد بن أبي بكر بن أيوب ابن قيم الجوزية، الطرق الحکمیة (من إصدارات مكتبة الشاملة)، ۱۱.

^{۱۷} البخاري، صحيح البخاري، "النكاح"، ۴۱، ۴۲ (۵۱۳۶).

^{۱۸} إبراهيم بن علي بن محمد بن فرحون، التبصرة ۹۳/۲ - ۹۴ و محمد بن أبي بكر ابن القيم الجوزية: الطرق الحکمیة،

۸ - ۱۹.

^{۱۹} المائدة ۴/۵.

حکمت در این امر آن است که همه این‌ها مورد انتفاع قرار می‌گیرند؛ زیرا از سگِ نگهبان برای حفاظت از جان و مال استفاده می‌شود، پس این کار برای دفع مفسده متوقع از صاحبش است و سگِ جنایی نیز همین‌گونه است؛ زیرا استفاده از آن در کشف جرایم از وسایل اثبات معاصر به‌شمار می‌آید و شناسایی مجرمان به حفظ جان و مال می‌انجامد.

سگِ شکار، انتفاع از آن در جلبِ مصلحت برای صاحبش تحقق می‌یابد و سگِ جنایی نیز مانند آن است؛ زیرا در به‌کارگیری آن تحققِ مصلحت مردم وجود دارد، چون این امر از چیزهایی است که در حفظ حقوق مردم و عدم ضایع شدن آن‌ها، کشف مجرمان و پاسداری از حقوق مردم و رعایت مصالح آنان کمک می‌کند. حفظ حقوق مردم و رعایت مصالح آنان واجب است و برای تحقق این واجب ناگزیر باید وسایلی وجود داشته باشد که به تحقق این واجب بینجامد و هر آنچه واجب است جز به آن کامل نمی‌شود، خود نیز واجب است؛ پس این یک قاعده فقهی است که از آن قاعده "وسایل حکم مقاصد را دارند" منشعب می‌شود. بنابراین قصد از استفاده از سگِ جنایی، اعتبار دادن به آن به‌عنوان یکی از وسایل اثبات برای کشف مجرمان است؛ بنابراین، سگِ جنایی وسیله است و مقصد از آن کشف مجرمان و رعایت مصالح مردم می‌باشد.

بر این اساس می‌توان گفت: سگِ تعلیم‌دیده از جمله اموالی است که خرید و فروش آن جایز شمرده می‌شود و بی‌تردید سگ‌های جنایی نیز در زمره سگ‌های تعلیم‌دیده قرار دارند. بنابراین، بر مبنای تخریج فقهی، فروش سگ‌های جنایی نزد قائلان (فقه‌های حنفی رحمهم الله) جایز دانسته شده است و همچنین نزد امام ابو یوسف رحمه الله نیز اصل جواز آن پذیرفته شده، مگر در مورد سگِ درنده که از این حکم استثنا گردیده است.^{۲۰}

با توجه به گسترش استفاده از وسایل و ابزارهای معاصر در کشف جرایم و اثبات وقایع، از جمله بهره‌گیری از سگ‌های ردیاب در شناسایی مجرمان و کشف آثار جرم، ضرورت دارد حکم شرعی این‌گونه وسایل و میزان اعتبار دلالت آن‌ها در نظام قضایی اسلامی به‌صورت دقیق بررسی گردد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که در فقه اسلامی، اعتبار ادله و قرائن در اثبات دعاوی، تابع ضوابط مشخصی بوده و هر وسیله‌ای نمی‌تواند به‌صورت مستقل منشأ حکم قضایی قرار گیرد، مگر آن‌که حجیت آن از نظر شرع احراز گردد.

^{۲۰} عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي، الاختيار لتعليل المختار، علقه عليه أبو دققة من علماء الحنفية (القاهرة: مطبعة الحلبي ۱۳۵۶ هـ.ق / ۱۹۳۷ م)، ۹/۲-۱۰.

۱.۲.۲. حکم اعتماد کردن بر سگ‌های ردیاب

لازم است حکم شرعی تکیه بر سگ‌های ردیاب در شناسایی مجرمان و کشف ابزارهای جرم و نیز میزان حجیت دلالت آن‌ها در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. این بحث در دو مسأله اساسی قابل تفکیک است:

مسأله اول: حکم اعتماد کردن بر سگ‌های ردیاب؛

مسأله دوم: حجیت دلالت اثر برای شناخت مجرمان.

علماء در حکم اعتماد کردن بر سگ‌های ردیاب بر دو قول اختلاف کرده‌اند:

قول اول: اعتماد بر حیوانی غیر از سگ شکار، یا سگ نگهبان گله، یا سگ محافظ زراعت جایز نیست و این دیدگاه یکی از روایات نقل شده از فقهای حنابله است.^{۲۱} در کتاب «المغنی» (نظر راجح) چنین آمده است: «و اگر آن (سگ) را برای حفاظت از خانه‌ها نگه دارد، بنابر ظاهر حدیث جایز نیست، هرچند احتمال جواز (نظر مرجوح) نیز در این مورد وجود دارد».^{۲۲} و آنان برای اثبات این دیدگاه (راجح)، به موارد زیر استدلال کرده‌اند:

۱. از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: [من اقتنی کلباً لیس بکلب ماشیة أو ضاریة نقص کل یوم من عمله قیراطان].^{۲۳} ترجمه: "هرکس سگی نگه دارد که سگ شکار یا برای نگهبانی گله نباشد، روزانه دو قیراط از پاداش اعمالش کاسته می‌شود".

۲. از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: [من أمسک کلباً فإنه ینقص کل یوم من عمله قیراط إلا کلب غنم أو حرث أو صید].^{۲۴} ترجمه: "هرکس سگی نگه دارد، در هر روز از عملش یک قیراط کم می‌شود، مگر سگ گوسفند، یا زمین زراعت، یا شکار".

ازین احادیث معلوم می‌شود که نگه داری سگ در صورتی که ضرورت وجود داشته باشد، مانند سگ شکار، سگ نگهبان گله، سگ حفاظت از زراعت مشروع است و در غیر آن جایز نیست.

^{۲۱} ابو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الحنبلي، المغنی (القاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸هـ.ق)، ۱۹۱/۴.

^{۲۲} ابو محمد عبد الله بن قدامة الحنبلي، المغنی، ۱۹۱/۴.

^{۲۳} البخاری، صحیح البخاری، "الحرث و المزارعة"، ۳/۳ (۲۳۲۳).

^{۲۴} البخاری، صحیح البخاری، "الحرث و المزارعة"، ۳/۳ (۲۳۲۲).

قول دوم: جایز است که بر سگ‌های دنباله‌رو (سگ‌های تعقیب اثر) تکیه و اعتماد شود و این همان نظری است که حنفی‌ها^{۲۵} و مالکی‌ها^{۲۶} دارند و همچنین روایتی از حنبله^{۲۷} نقل شده است. در "بدائع الصنائع" آمده است: «برای ما (دلیل این) است که سگ مال است... بهره‌برداری از آن شرعاً جایز است».^{۲۸}

در کتاب «الشرح الصغير» آمده است: «و فروختن سگ مانند سگ شکار یا سگ نگهبانی نیست؛ زیرا فروش آن منع شده است، هرچند پاک باشد و استفاده از آن جایز دانسته شود».^{۲۹} و اینان برای تأیید دیدگاه خود، به موارد زیر استدلال می‌کنند:

۱- سگ دلالت‌کننده و مانند آن، از جمله مواردی است که نصّ شرعی مستقلاً درباره آن وارد نشده است؛ بنابراین، به سه موردی (سگ نگهبان زراعت، سگ نگهبان گله، سگ حفاظت از زمین‌های زراعتی) که نصّ درباره آن‌ها وارد شده است، قیاس می‌شود.^{۳۰} این استدلال مورد مناقشه قرار گرفته است؛ زیرا سگ ردیاب از حیث کارکرد و شرایط، به‌طور کامل با موارد منصوص قابل قیاس نیست. از جمله اشکالات مطرح این است که امکان فریب دادن سگ وجود دارد و نیز احتمال خطا در تشخیص در شرایط مختلف محیطی مطرح می‌شود. همچنین نگهداری آن در محیط‌های عمومی ممکن است موجب اذیت رهگذران گردد، در حالی که این اشکالات در برخی موارد منصوص به این شدت مطرح نیست.

در پاسخ به این اشکال گفته می‌شود که سگ ردیاب همان منفعتی را تأمین می‌کند که در سگ نگهبان زراعت، سگ گله و امثال آن وجود دارد؛ یعنی حفظ اموال، کشف مفسده و تأمین امنیت عمومی. افزون بر این، نگهداری آن غالباً موجب اذیت و ضرر عمومی نمی‌گردد.^{۳۱} در پاسخ گفته می‌شود که از سگ دنبال‌کننده اثر، همان فایده و منفعتی حاصل می‌گردد که از سگ نگهبان زراعت، سگ نگهبان گله و حفاظت از زمین‌های زراعتی به دست می‌آید؛ افزون بر این، نگهداری آن معمولاً موجب آسیب و اذیت رهگذران نمی‌گردد.

^{۲۵} علاء الدین أبو بکر بن مسعود الکاسانی، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ هـ.ق. ۱۹۸۶ م)، ۵۳/۵.

^{۲۶} أبو العباس أحمد بن محمد المالکی الشهير بالصاوي، بلغة السالك شرح أقرب المسالك لمذهب الإمام مالك (القاهرة: دار المعارف، بی‌تا)، ۲۴/۳.

^{۲۷} ابن قدامة، المغني، ۱۹۱/۴.

^{۲۸} الکاسانی، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ۱۴۳/۵.

^{۲۹} أبو العباس أحمد بن محمد المالکی الشهير بالصاوي، بلغة السالك شرح أقرب المسالك لمذهب الإمام مالك، ۲۴/۳.

^{۳۰} بالصاوي، بلغة السالك شرح أقرب المسالك لمذهب الإمام مالك، ۲۴/۳.

^{۳۱} ابن قدامة الحنبلي، المغني، ۱۹۱/۴.

۲- استفاده از سگ در امور شکار و نگهداری در شریعت به طور مطلق جایز دانسته شده است؛ بنابراین، توسعه این جواز به موارد مشابه مانند کشف اثر و تعقیب مجرم نیز قابل پذیرش است. این همان نظری است که من در این تحقیق انتخاب کرده‌ام.

۲.۲.۲. مناقشه دلایل هر دو دیدگاه از حیث قوت و ضعف

دلایل دیدگاه نخست که بر عدم جواز اعتماد بر سگ‌های دلالت‌کننده و مشابه آن‌ها دلالت دارد، مبتنی بر احادیثی است که در آن‌ها جواز نگهداری سگ به مواردی چون سگ شکار، سگ نگهدارنده گله و سگ حفاظت از زراعت محدود شده است. با این حال، بر این استدلال مناقشه وارد شده است؛ از جمله این که این نصوص ناظر به اصل نگهداری سگ هستند، نه به اعتبار آن به عنوان وسیله اثبات در امور قضایی معاصر و نیز امکان تحقق مصالح جدید در پرتو تطورات علمی در آن‌ها ملحوظ نگردیده است.

در مقابل، دیدگاه دوم بر جواز استفاده از سگ‌های دلالت‌کننده و ردیاب استدلال کرده و آنرا بر قیاس بر موارد منصوص بنا نهاده است؛ اما این استدلال نیز مورد مناقشه قرار گرفته است، زیرا قیاس در مواردی که احتمال خطا و عدم قطعیت بالا باشد، نمی‌تواند موجب توسعه حکم منصوص گردد، به ویژه در باب حقوق و دماء که اصل در آن احتیاط است.

ترجیح

با توجه به مجموع ادله و مناقشات مطرح شده، دیدگاه دوم که قائل به جواز استفاده از سگ‌های ردیاب به عنوان قرینه و وسیله کمکی در کشف جرم است، از جهت تحقق مصالح عمومی و هماهنگی با مقاصد شریعت در حفظ نفس و مال، قابل ترجیح دانسته می‌شود؛ اما این ترجیح به معنای اعتبار قطعی و مستقل بودن آن در اثبات جرم نیست.

بیان دلایل ترجیح دیدگاه دوم عبارت‌اند از:

۱. شریعت اسلام اصل اعتبار قرائن و وسایل کمکی در اثبات دعاوی را پذیرفته است، به شرط آن که به یقین قطعی یا اتهام ظنی غیرمعتبر منجر نشود؛
۲. تجربه عملی و پیشرفت‌های علمی نشان داده است که سگ‌های آموزش دیده در بسیاری از موارد توانایی مؤثری در کشف آثار و شناسایی مسیر جرایم دارند؛
۳. این روش در تحقق مصلحت حفظ امنیت عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق مردم نقش قابل توجه دارد که از مقاصد مهم شریعت است؛
۴. در عین حال، این وسیله به تنهایی به مرتبه یقین شرعی نمی‌رسد و باید در کنار سایر ادله مانند شهادت، اقرار و اسناد معتبر مورد استفاده قرار گیرد، تا اصل احتیاط در دماء و اموال رعایت گردد.

۳.۲. مشروعیت دلالت سگ‌های اثر برای شناخت سارق

سگ از سایر حیوانات به قوت حس بویایی و دقت حس شنوایی، که بر آن دو به‌طور کامل در زندگی‌اش تکیه می‌کند، متمایز می‌شود؛ و بهره‌گیری از آن در این جا چنین انجام می‌گیرد که سگ اثر آموزش دیده به صحنه جرم آورده می‌شود، پس اثر بوی مجرم منتشر در هوا را دنبال می‌کند، یا بویی را که بر چیزهایی که در آن مکان آن‌ها را گرفته است، چسبیده، یا بویی را که به سبب آثار قدم‌هایش بر زمین چسبیده است، دنبال می‌کند؛ پس سگ در حالی که این بو را تعقیب می‌کند، حرکت می‌کند تا به آخرین حدی برسد که بو به آن رسیده است.^{۳۲}

اساس تکیه بر بو این است که برای هر انسان یا حیوان یا نبات، بوی ویژه وجود دارد که به‌طور دائمی به شکل شعاعها (موج‌های نامرئی) از او منتشر می‌شود؛ پس این بوها در هوا پخش می‌شوند یا به چیزهای موجود در مکانی که در آن منتشر شده‌اند، می‌چسبند. از آن جا که سگ دارای حس بویایی قوی است، می‌تواند بوی معینی را پس از گذشت شش ماه از جدا شدن آن از صاحبش، در مکانی که هوای آن محصور است و در معرض دگرگونی‌های شدید آب‌وهوا قرار ندارد، استشمام کند؛ زیرا حس بویایی سگ از گرما و رطوبت و باران و جهت باد تأثیر می‌پذیرد، پس بوها معمولاً پس از یک روز یا چند روز که از یک هفته تجاوز نمی‌کند، از بین می‌روند، اگر جانی از رودخانه‌ها عبور کند یا سوار وسیله نقلیه شود، همان‌گونه که ممکن است سگ با پاشیدن موادی که بوهای نافذ و قوی دارند، گمراه شود؛ زیرا غالباً این امر نقش سگ را مختل می‌کند و اهمیت آنرا از بین می‌برد. گاهی برخی از مجرمان عمداً وسایل شخص معینی را حمل می‌کنند، سپس آنرا در محل جرم رها می‌سازند تا وقتی سگ می‌آید، بوی این وسایل را دنبال کند. همان‌گونه که پیگیری اثر توسط سگ تحت تأثیر آثار موجود و نوع آن‌ها و این که هیچ‌کس با آن‌ها دست‌کاری نکرده باشد و شرایط جوی‌ای که آثار در معرض آن قرار گرفته‌اند و مدتی که از وقوع جرم گذشته است و شرایط و قرائن آن و نزدیکی یا دوری متهمان از محل حادثه قرار دارد. و بسیاری از آزمایش‌ها در پیگیری آثار مجرمان توسط سگ‌ها و تعقیب قاچاق‌بران و شناخت مکان‌هایی که اموال مسروقه در آن‌ها پنهان شده است، موفق بوده‌اند.^{۳۳}

اما گرفتن شخصی توسط سگ پس از آن‌که اثری را در محل جرم یافته است دنبال کرده، قرینه‌ای بر این که آن شخص همان مجرم است ضعیف و سست به‌شمار می‌آید و تکیه بر این قرینه در اثبات، ماجرایی و خطرپذیری‌ای است که با روح شریعت و مقاصد آن سازگار نیست؛

^{۳۲} حقیقة الحاسة السادسة: "كيف يفند العلم أسطورة الكلاب المعجزة؟"، الجزيرة نت (دسترسى ۱۷/۱/۱۴۰۵ هـ.ش).

^{۳۳} عدنان حسن العزايزة، حجة القرائن في الشريعة الإسلامية (المدينة المنورة: دار عمار للنشر والتوزيع، ۱۹۹۰ م).

همانگونه که تکیه بر آن در بازداشت متهم و بازخواست او به ستم بر مردم و هراس افکندن بر آنان می‌انجامد؛ زیرا توان سگ در دنبال کردن اثر و کشف آن و کشف جانی، به قوت آموزش سگ و تمرین و فعالیت آن بستگی دارد و سگ‌ها در این جهت با یکدیگر متفاوت‌اند و در قابلیت یادگیری و فهم نیز تفاوت دارند و در نتیجه توان آن‌ها در دنبال کردن اثر درست و کشف آن متأثر می‌شود و در بسیاری موارد حقیقت برخلاف آن‌چه سگ‌های اثر بر آن دلالت کرده‌اند، تحقق می‌یابد.^{۳۴}

با این همه، می‌توان بر آن به عنوان قرینه‌ای که قرائن دیگر را تقویت می‌کند یا بر آن‌ها دلالت می‌نماید، تکیه کرد. و شاید از جمله چیزهایی که بر عدم جواز اعتماد بر دلالت سگ‌ها بر اثر دلالت می‌کند، آن است که از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که گفت: «گروهی از قبیله عُرَیْنَه نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمدند، پس اسلام آوردند و با او بیعت کردند، در حالی که در مدینه "المؤم" (نوعی از امراض است) واقع شده بود و آن "البرسام" است؛ یعنی وبا در مدینه واقع شده بود و آن طاعون بود. پس رسول خدا صلی الله علیه و سلم به آنان فرمود: اگر بخواهید، به سوی شتران صدقه بیرون (از مدینه) بروید و از شیرها و ادرار آن‌ها بنوشید. پس چنین کردند و تندرست شدند، سپس آنان بر چوپانان تاختند و آنان را کشتند و از اسلام برگشتند و شتران رسول خدا صلی الله علیه و سلم را به حرکت درآوردند و بردند. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و سلم رسید، پس در پی آنان یک "قائف" (ردیاب آثار) فرستاد تا اثر آنان را دنبال کند، پس آنان را آوردند، آنگاه دست‌ها و پاهایشان را برید و چشمانشان را کور کرد و آنان را در حَرّه (زمین سنگلاخ) رها ساخت تا مُردند».^{۳۵}

وجه استدلال این است که پیامبر صلی الله علیه و سلم پیگیر آثار آنان را فرستاد؛ اما حد بر آن‌ها را بر اساس گفته‌های خودشان اجرا نکرد؛ بلکه بر اساس مشاهده وضعیت واقعی (شاهد الحال) عمل نمود؛ با آن‌که ردیابی اثر توسط انسان بدون شک قوی‌تر از ردیابی سگ‌ها است.^{۳۶} در این جا ناگزیر باید شیوه استفاده از سگ‌های جنایی بیان شود، از این جهت که آن‌ها هنگام انجام کاری که به آن‌ها سپرده می‌شود، تحت برنامه‌های آموزشی قرار می‌گیرند و سگ جز پس از پایان این برنامه‌ها گرفته نمی‌شود؛ و برتری آن‌ها در دنبال کردن اثر و کشف مجرمان آشکار می‌گردد. و برجسته‌ترین ویژگی‌های جسمانی آن عبارت‌اند از: اندازه متوسط، وزن معتدل،

^{۳۴} عدنان حسن العزایزه، حجة القرائن في الشريعة الإسلامية، ۱۹۰-۱۹۱.

^{۳۵} مسلم، صحيح مسلم، "القصة والمحاربين والقصاص"، ۲ (۱۶۷۱).

^{۳۶} یحیی بن شرف النووی، المنهاج علي صحيح مسلم بن الحجاج (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ هـ.ق).

هوشیار بودن، باهوش بودن، سبک حرکت، نترس بودن، بی اعتنا به بیگانه و دارای حس بویایی تیز.^{۳۷}

پایه علمی تکیه بر سگ‌ها در کشف مجرم این است که برای هر موجود زنده، بوی ویژه‌ای وجود دارد که به طور دایمی به شکل شعاع‌ها از آن منتشر می‌شود و با دقت بسیار زیاد به هر چیزی که لمس می‌کند می‌چسبد و حس بویایی که سگ به آن ممتاز است، بیش از دو برابر (۲۰٪)^{۳۸} حس بویایی انسان برتری دارد و حوزه کاربرد آن: موقعیت‌های فراوانی برای این سگ‌ها ثبت شده که در آن‌ها نقش مؤثر خود را نشان داده‌اند؛ و از مهم‌ترین آن‌ها، دنبال کردن آثار و شناسایی مجرم است.^{۳۹}

۳. جایگاه شناسایی سگ‌های جنایی در اثبات جرم

نمی‌توان بر شناسایی انجام شده توسط سگ‌های جنایی به طور مستقل برای محکومیت یا براءة متهم تکیه کرد؛ زیرا این نوع شناسایی با احتمال خطا همراه است و از درجه اطمینان لازم برای اثبات قطعی برخوردار نیست. این امر به دلایل زیر قابل توضیح است:

۱- احتمال تشابه بوها: با وجود آن که گفته می‌شود هر انسان دارای بوی خاصی است که او را از دیگران متمایز می‌سازد، با این حال در برخی موارد ممکن است بوها با یکدیگر شباهت پیدا کنند یا تحت تأثیر عوامل محیطی دچار تغییر شوند؛ از این رو، تمیز دقیق میان بوها همیشه به صورت قطعی امکان‌پذیر نیست.

۲- سگ بر مقایسه دو بو تکیه دارد: یکی بوی یافت شده و دیگری بوی از مظنون؛ و ثابت شده است که اگر سگ با مجموعه‌ای مواجه شود و جنایت کننده در میان آن‌ها نباشد، ممکن است مقابل یکی از آن‌ها بایستد، به دلیل نزدیکی بوی او به بوی یافت شده.

۳- سگ تحت تأثیر عوامل طبیعی مانند خستگی و بیماری قرار می‌گیرد و این امر بر دنبال کردن اثر درست تأثیر می‌گذارد.

۴- این که چرا سگ مقابل فلانی ایستاد و نه دیگری، قابل بحث نیست؛ و اصل در ادعای اتهام، پرسش و تحقیق است.

در این جا موضع شریعت اسلام در استفاده از سگ‌های جنایی را در اعتبار آن‌ها به عنوان یکی از وسایل اثبات اتهام یا به عنوان قرینه بیان می‌کنم:

^{۳۷} مجموعه من العلماء والباحثین، الموسوعة العربية/العالمية (الرياض: مؤسسة أعمال الموسوعة للنشر والتوزيع، ۱۹۹۹م).

۵/۲۰؛ أُرشیف ملتقى أهل الحديث، حجة/استعراف/الکلاب البوليسية، المكتبة الشاملة الحديثة، ۳۴۸.

^{۳۸} معجزة علمية. كيف تشم الكلاب رائحة إصابة البشر بالسرطان؟ | علوم | الجزيرة نت، (دسترسى ۱۷/۱/۱۴۰۵ هـ.ش).

^{۳۹} "صحيفة الرؤية" (صحيفة إماراتية)، نت (دسترسى ۱۳/۱۲/۱۴۰۴ هـ.ق).

استفاده از سگ‌های ردیاب، از جمله قرائن قوی به‌شمار می‌رود که قاضی می‌تواند در چارچوب اصول و قواعد فقهی از آن به‌عنوان دلیل تقویتی بهره‌گیرد؛ به‌ویژه بر اساس اصل «أخذ باللوث» در باب قسامه - که بر استفاده از قرائن برای کمک به کشف حقیقت در محاکم دلاله دارد - و نیز بر مبنای قاعده «الوسائل لها حكم المقاصد»، که از قاعده «ما لا يتم الواجب إلا به فهو واجب» و دیگر قواعد معتبر نزد فقهاء نشأت گرفته است.^{۴۰} اما قرار دادن سگ به‌عنوان دلیل مستقل برای اثبات اتهام و یا قرینه قاطع، با روح شریعت که بر گسترش امنیت، آرامش و عدالت تأکید دارد، مغایرت دارد؛ زیرا تکیه بر گمان نزدیک‌ترین حالت به وهم است. علاوه بر این، استفاده از سگ باید همراه با سایر دلایل اثبات مانند شهادت، اقرار، تخصص، اسناد و اطلاعاتی که قاضی از طریق وسایل مدرن به دست می‌آورد، باشد.^{۴۱} در مورد اعتبار آن، که نظر راجح است، توجه شود که استفاده از سگ به‌عنوان قرینه می‌تواند برای تقویت دلایل موجود مورد استناد قرار گیرد و نباید به‌عنوان دلیل مستقل در نظر گرفته شود و این به دلایل زیر است:^{۴۲}

۱. احتمال خطای سگ به‌خاطر خستگی، گرسنگی یا تغییر حالت روحی آن وجود دارد و این‌ها عواملی هستند که نمی‌توان آن‌ها را کنترل کرد.

۲. ممکن است مرتکب جرم در محل وقوع جنایت چیزی را رها کند که به شخص دیگری تعلق دارد، با هدف گمراه کردن سگ‌های جنایی؛ علاوه بر این، امکان شباهت بو بین دو نفر و تفاوت سگ‌ها از نظر توانایی‌شان در تشخیص بو وجود دارد.

۳. همچنین ممکن است سگ در ارائه اطلاعات دقیق دچار اشتباه شود، اگر از زمان ایجاد آثار بیش از ۲۴ ساعت گذشته باشد.

۴. این امر همچنین ضعف سگ‌های جنایی را نشان می‌دهد؛ زمانی که هیچ یک از متهمان در میان افرادی که برای تطبیق بو آورده شده‌اند حضور نداشته باشند، سگ غالباً پس از تردید مقابل یکی از آن‌ها می‌ایستد، که احتمال دارد نزدیک‌ترین شخص از نظر بو به مجرم واقعی باشد.

و تایید این رای از فتوای علماء دیوبند نیز می‌شود، دارالافتاء مدرسه جامعه علوم اسلامیة علامه محمد یوسف بنوری ٹاؤن کراچی پاکستان در این مورد سوال و جواب را چنین ارایه می‌کند:

^{۴۰} أحمد بن الشيخ محمد الزرقا، شرح القواعد الفقهية (سوريا: دار القلم، دمشق، ۱۴۰۹ هـ.ق - ۱۹۸۹ م)، ۴۸۶.
^{۴۱} محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية، الطرق الحكمية (لبنان: دار الكتاب العربي، بی‌تا)، ۹۹/۱؛ هشام قبیلان، المتهم وحقوقه في الشريعة الإسلامية (الرياض: المركز العربي للدراسات الأمنية والتدريب ۱۴۰۳ هـ.ق - ۱۹۸۲ م)، ۱۲۰.
^{۴۲} جعفر جواد الفضلي، الأصل براءة المتهم في الشريعة الإسلامية، ۱۸۹؛ محمد أبو زهرة، الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي (القاهرة: دار الفكر العربي ۱۴۰۱ هـ.ق - ۱۹۸۰ م)، ۵۵۰.

سوال (استفتاء)

در منطقه‌ای که کسی یک مرد را به قتل رساند و هیچ نشانی از قاتل پیدا نشد؛ وارثان مقتول برای معلوم کردن قاتل، سگ سراغ‌رسان آوردند؛ آن سگ داخل خانه یک مرد شد و وارثان بر او دعوای قتل کردند، در حالی که آن مرد این قتل را به طور کامل انکار می‌کند و می‌گوید: من هیچ اطلاعی درباره این قتل ندارم و وارثان مقتول جز این (سگ) حتی یک شاهد هم در اختیار ندارند. به همین گونه در عرف رواج است که دزد را نیز به وسیله این سگ معلوم می‌کنند. اکنون پرسش این است که آیا شهادت این سگ قابل پذیرش است؟ مردم منطقه ما شهادت سگ را انکار می‌کنند.

جواب

باید دانسته شود که شرعاً برای ثابت کردن مجرم بودن کسی، دو راه وجود دارد:

۱- این که خود مجرم به جرم خویش اعتراف کند؛

۲- یا جرم از طریق شهادت شرعی ثابت شود.^{۴۳}

غیر از این دو طریق، از هیچ راه دیگری نمی‌توان کسی را شرعاً مجرم ثابت کرد؛ حتی اگر در گواهی انسان‌ها نصاب شهادت کامل نباشد، اعتبار چنین گواهی‌ای نیز پذیرفته نمی‌شود. بنابراین در صورت مورد پرسش، ثابت کردن کسی به عنوان قاتل یا دزد از طریق نشان‌دهی سگ‌ها، شرعاً معتبر نیست؛ زیرا از نظر شرعی، راهنمایی و نشان‌دهی سگ نه گواهی محسوب می‌شود و نه قائم مقام گواهی انسانی است. دعوا (ادعا) بر اساس نشان‌دهی سگ‌ها هیچ اعتبار و جایگاهی ندارد. چنین ادعایی به دلیل عدم ثبوت، قابل رد است. در حدیث شریف آمده است: عن ابن عباس رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: «إلو يعطى الناس بدعواهم لادعى ناس دماء رجال وأموالهم ولكن اليمين على المدعى عليه».^{۴۴} ترجمه: اگر مردم را صرف ادعاهای شان داده می‌شدند، برخی از مردم خون‌ها و اموال دیگران را ادعا می‌کردند؛ ولی سوگند بر زمه مدّاع علیه، هم‌چنان در حدیث دیگری از حضرت عبد الله بن عباس (رضی الله عنهما) به صورت مرفوع روایت است «الكن البينة على المدعى واليمين على المدعى عليه».^{۴۵} پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «بینه (دلیل و شاهد) بر عهده مدّعی است و سوگند بر عهده کسی است که انکار می‌کند».

^{۴۳} نظام و مجموعة المؤلفين، الفتاوى الهندية (کویت: المكتبة الرشيدية، ۱۳۱۰ هـ.ق)، ۴/۴۵۱.

^{۴۴} نیشاپوری، صحیح مسلم، «الأقضية»، ۱ (۱۷۱۱).

^{۴۵} محمد بن عیسیٰ أبو عیسی الترمذی السلمي، الجامع الصحیح سنن الترمذی، محقق. محمد فواد عبد الباقي (بیروت: دار إحياء التراث العربي ۱۳۹۵ هـ.ق - ۱۹۷۵ م)، «الأحكام»، ۱۲ (۱۳۴۲).

در «مرقاۃ المفاتیح شرح مشکاة المصابیح» آمده است: «و نووی گفته است: این حدیث شریف قاعده کلی از قواعد احکام شرعی است؛ زیرا در آن (بیان شده) که گفته‌اند انسان در آنچه ادعا می‌کند، صرفاً به خاطر ادعای او پذیرفته نمی‌شود؛ بلکه نیاز به بیّنه (دلیل شرعی) یا تصدیق مدّعی‌علیه دارد».^{۴۶}

در «فتاویٰ هندیه» آمده است: «اما اقسام شهادت چنین است: از جمله آن‌ها شهادت بر زنا است که در آن چهار مرد معتبر دانسته می‌شوند؛ و از جمله آن‌ها شهادت بر سایر حدود و قصاص است که در آن شهادت دو مرد پذیرفته می‌شود و در این دو قسم شهادت زنان پذیرفته نمی‌شود؛ همین‌گونه در هدایه آمده است».^{۴۷}

^{۴۶} علی بن سلطان القاری، مرقاۃ المفاتیح شرح مشکاة المصابیح (بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۲هـ.ق/۲۰۰۲م)، ۲۴۳۹/۶.
^{۴۷} نظامو مجموعه المؤلفین، الفتاویٰ الهندیة (کویت: المكتبة الرشیدية، د.ت)، ۴۵۱/۳؛ دارالافتاء جامعه علوم اسلامیة علامه محمد یوسف بنوری ٹاؤن کراچی پاکستان، تاریخ صدور فتویٰ، رجب المرجب ۱۴۳۹هـ.ق- اپریل ۲۰۱۸ م.

نتیجه گیری

این تحقیق با بررسی قاعده فقهی "الوسائل لها حکم المقاصد" و تطبیق آن بر مسأله استفاده از سگ جنایی به عنوان وسیله اثبات معاصر، نشان داد که این قاعده از قواعد راسخ و معتبر در فقه اسلامی است که ریشه در کتاب و سنت دارد و در تطبیقات فقهاء به گونه گسترده مورد عمل قرار گرفته است. تحلیل مفهومی "وسیله" و "مقصد" روشن ساخت که وسایل در نظام تشریع اسلامی تابع احکام مقاصد اند و حکم آن‌ها بر اساس مصلحت یا مفسده‌ای که به آن منتهی می‌شوند تعیین می‌گردد، با این قید که وسیله ذاتاً مشروع بوده و به ظلم یا مفسده راجح نیانجامد.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که شریعت اسلامی اصل اعتبار وسایل اثبات و قرائن را در باب قضاء و احکام پذیرفته است و نمونه‌های قرآنی و نبوی، از جمله داستان حضرت یوسف علیه السلام و برخی احادیث نبوی، بر مشروعیت استناد به قرائن دلالت می‌کند. بررسی آرای مذاهب فقهی نیز نشان داد که اصل عمل به قرائن و وسایل اثبات مورد قبول فقهاء بوده، هرچند در حدود و میزان حجیت آن اختلافاتی در جزئیات وجود دارد.

در پاسخ به سؤال اساسی تحقیق درباره حکم استفاده از سگ جنایی، نتایج نشان داد که به کارگیری سگ تعلیم دیده برای کشف جرایم، از جهت اصل استفاده، در چارچوب مقاصد حفظ نفس و مال و با قیاس بر سگ شکاری و نگهبان، مشروعیت دارد و می‌تواند از مصادیق وسایل مباح یا حتی لازم برای تحقق واجب حفظ امنیت عمومی محسوب گردد. با این حال، بررسی ماهیت دلالت سگ‌های ردیاب و ارزیابی علمی و فقهی آن ثابت ساخت که شناسایی توسط سگ در حد قرینه باقی می‌ماند و به مرتبه یبینه شرعی که موجب ثبوت قطعی جرم گردد، نمی‌رسد؛ زیرا احتمال خطا، تأثیر عوامل خارجی و تفاوت در توانایی سگ‌ها مانع از حصول یقین قضایی کامل می‌شود.

بر این اساس، تحقیق به این دست‌آورد رسید که استفاده از سگ جنایی در مرحله تحقیق و جمع‌آوری شواهد وسیله معتبر برای تقویت سایر ادله است؛ اما اتکای مستقل بر آن در اثبات جرم، به ویژه در حدود و قصاص، با اصول احتیاط در دماء و قاعده درء حدود سازگار نیست. در نتیجه، تطبیق قاعده "الوسائل لها حکم المقاصد" در این مسأله اقتضا می‌کند که اعتبار این وسیله در چارچوب مقاصد شریعت و همراه با سایر ادله معتبر شرعی صورت گیرد تا هم مصلحت کشف جرم تأمین شود و هم عدالت و امنیت قضایی که از مقاصد عالی شریعت است محفوظ بماند.

فهرست منابع

القرآن الكريم

۱. ابن القيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد. *الطرق الحكمية*. دمشق: مكتبة دار البيان، د. ط، د. ت.
۲. ابن قدامة المقدسي، عبد الله بن أحمد بن محمد. *روضة الناظر وجنة المناظر في أصول مذهب الإمام أحمد*. بيروت: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۳هـ. ق- ۲۰۰۲م.
۳. ابن قدامة الحنبلي، عبد الله بن أحمد بن محمد. *المغني*. القاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸هـ. ق- ۱۹۶۸م.
۴. ابن قدامة المقدسي، عبد الله بن أحمد بن محمد. *الكافي في فقه الإمام أحمد*. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴هـ. ق- ۱۹۹۴م.
۵. ابن قدامة، عبد الله بن محمد بن أحمد. *الشرح الكبير*. بيروت: دار الكتاب العربي للنشر والتوزيع، ۱۴۰۳هـ. ق- ۱۹۸۳م.
۶. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي. *لسان العرب*. بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴هـ. ق.
۷. أبوزهرة، محمد. *الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي*. بيروت: دار الفكر العربي، ۱۴۰۱هـ. ق- ۱۹۸۰م.
۸. أرشيف وزارة العدل السودانية، الخرطوم، ۲۰۰۷م.
۹. البخاري، محمد بن إسماعيل الجعفي. *صحيح البخاري*. بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ. ق.
۱۰. البعلی، محمد بن علي بن أحمد بن عمر. *المنهج القويم لابن تيمية*. مكة المكرمة: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، ۱۴۲۲هـ. ق.
۱۱. الجوهری، إسماعيل بن حماد. *الصحاح تاج اللغة*. حققه. أحمد عبد الغفور عطار. بيروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷هـ. ق- ۱۹۸۷م.
۱۲. الجوينی، عبد الملك المعروف بإمام الحرمين. *شرح الورقات في أصول الفقه*. شرحه. عبد الكريم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضير. من إصدارات المكتبة الشاملة، ولم يُذكر له طبعة أو سنة نشر.
۱۳. حسن عودة. *ضمانات المحاكمة العادلة في التشريع العراقي*. بغداد: مركز الفرات للتنمية والدراسات الاستراتيجية، د. ط، د. ت.
۱۴. حسن، عباس. *النحو الوافي*. القاهرة: دار المعارف، من إصدارات مكتبة الشاملة، ب. ت.
۱۵. الرازي، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر. *مختار الصحاح*. حققه. يوسف الشيخ محمد. بيروت: المكتبة العصرية والدار النموذجية، ۱۴۲۰هـ. ق- ۱۹۹۹م.

۱۶. الزحیلی، محمد مصطفی. *القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة*. دمشق: دار الفكر، ۱۴۲۷هـ.ق-۲۰۰۶م.
۱۷. سلطان العلماء، عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام. *قواعد الأحكام في مصالح الأنام*. راجعه وعلق علیه. طه عبد الرؤوف سعد. القاهرة: مكتبة الكليات الأزهرية، ۱۴۱۴هـ.ق-۱۹۹۱م.
۱۸. الشاطبي، إبراهيم بن موسى. *الموافقات*. حققه. بن حسن آل سلمان. القاهرة: دار ابن عفان، ۱۴۱۷هـ.ق-۱۹۹۷م.
۱۹. الشيباني، محمد بن الحسن بن فرقد. *الحجة على أهل المدينة*. حققه. مهدي حسن الكيلاني. بيروت: عالم الكتب، ۱۴۰۳هـ.ق-۱۹۸۲م.
۲۰. الصاوي، أحمد بن محمد المالكي. *بلغت السالك لأقرب المسالك المعروف بحاشية الصاوي على الشرح الصغير وهو حاشية على شرح الشيخ الدردير المعروف بـ "الشرح الصغير"*. القاهرة: دار المعارف، ب.ط، ب.ت.
۲۱. عزايزة، عدنان حسن. *حجية القرائن في الشريعة الإسلامية*. المدينة المنورة: دار عمار للنشر والتوزيع، ۱۴۰۸هـ.ق-۱۹۹۰م.
۲۲. العسكري، أبو هلال الحسن بن عبد الله. *الفروق اللغوية*. حققه وعلق عليه. محمد إبراهيم سليم، القاهرة: دار العلم للثقافة والنشر والتوزيع، ب.ط، ب.ت.
۲۳. عودة، عبد القادر. *التشريع الجنائي مقارنة بالتشريع الوضعي*. بيروت: دار الكتاب العربي، ب.ط، ب.ت.
۲۴. الغزالي، محمد بن محمد. *الوسيط في المذهب*. حققه. أحمد محمود إبراهيم، القاهرة: دار السلام، ۱۴۱۷هـ.ق.
۲۵. الفضلي، جواد الفضلي. *الأصل براءة المتهم*. الرياض: المركز العربي للدراسات الأمنية والتدريب، ۱۴۰۳هـ.ق.
۲۶. وزارة العدل المصرية، *قاعدة التشريعات والاجتهادات المصرية (المادتان ۳۱۱، ۳۱۲ من قانون الإجراءات الجنائية المصرية)*.
۲۷. قبلاں، هشام. *المتهم وحقوقه في الشريعة الإسلامية*. الرياض: المركز العربي للدراسات الأمنية والتدريب، ۱۴۰۳هـ.ق-۱۹۸۲م.
۲۸. القرافي، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن. *الذخيرة*. حقق الجزء الأول والثامن والثالث عشر. محمد حجي، والجزء الثاني والسادس. سعيد أعراب، والجزء الثالث حتى الخامس والسابع والتاسع حتى الثاني عشر حققها. محمد بو خبزة، بيروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۴م.
۲۹. القرافي، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن. *الفروق*. بيروت: عالم الكتب، ب.ط، ب.ت.

۳۰. القرافي، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن. شرح تنقيح الفصول. حققه. طه عبد الرؤوف .
قاهرة: شركة الطباعة الفنية، ۱۳۹۳ هـ.ق - ۱۹۷۳ م.
۳۱. القرطبي، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي. الجامع لأحكام القرآن. محقق. أحمد البردوني
وإبراهيم أطفيش، القاهرة: دار الكتب المصرية، ۱۳۸۴ هـ.ق - ۱۹۶۴ م.
۳۲. الكاساني، علاء الدين أبو بكر بن مسعود. بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. بيروت: دار
الكتب العلمية، ۱۴۰۶ هـ.ق - ۱۹۸۶ م.
۳۳. مجموعة من المؤلفين والباحثين. الموسوعة العربية العالمية. الرياض: مؤسسة أعمال
الموسوعة للنشر والتوزيع، ۲۰۰۸ م.
۳۴. مسلم بن الحجاج، المعروف بأبي الحسن القشيري النيسابوري. صحيح مسلم. حققه. محمد
فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۳۵. الموصلي، عبد الله بن محمود بن مودود. الاختيار لتعليل المختار. مع تعليقات الشيخ محمود
أبو دقيقة. القاهرة: مكتبة الحلبي، ۱۳۵۶ هـ.ق - ۱۹۳۷ م.
۳۶. النووي، يحيى بن شرف. المجموع شرح المذهب. بيروت: دار الفكر د.ط، د.ت.
۳۷. النووي، يحيى بن شرف. المنهاج علي صحيح مسلم بن الحجاج. بيروت: دار إحياء التراث
العربي، ۱۳۹۲ هـ.ق.